

منوچهر صدوقی (سها)



# آقا میرزا علی اکبر آقاي اردبیلی و خاندان او « ۳ »

طهرانی گوید: هو الشیخ المیرزا عبدالله  
بن المیرزا محسن بن عبدالله اردبیلی  
عالم تقی و فاضل جلیل . كان والده من-  
الفقهاء الاجلاء والعلماء الوعاظ الاتقياء

حاجی میرزا یوسف آقاي  
مجتهد « مربوط به دور ۱۰  
ش ۲ - ص ۱۷۶-۱۸۲ »

المترجم له كان في النجف الاشرف من تلاميذ شيخ الشريعة الاصفهاني وغيره . ثم  
اختص بالشيخ معهما كاطم الخراساني مدة حتى صار من الاجلاء المتضلعين البار-  
عين وشهدا استاذه بفضله و مكانته فعاد الى اردبيل في حدود سنة ۱۳۲۰ قصار  
مرجعاً هناك وكان قائماً بالوظائف التي ان توفي في سنة ۳۳۵ ودفن في اردبيل (۱)

۱- نقباء البشر النجف مطلمة الاداب ۱۳۸۱ ج ۳ ص ۱۲۱۰ . اين كه  
مرحوم طهرانی پدر اورا از «العلماء الوعاظ» آورده است درست نمی نماید .  
بنگرید به شرح حال او در همین وجیزه

این بزرگوار در بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین نماز می‌کرده است و گاه نیز بدانجا وعظ می‌گفته و افزون بر فقه در حکمت نیز متضلع بوده است و به روایت بعضی از معمرین فضیلتی فقرای آذربایجان که اینک ساکن طهران است



از آقای مرصع پوش ولایت سررشته دار گمنام شیخ آقای میرزا سید جلال - الدین محمد مجید الاشراف شیرازی رکن وقت سلسله‌علیه ذهبیه در اردبیل ، دستور سلوک داشته النهایه به ملاحظه برادرش آقا میرزا علی اکبر آقا در خانقاه آن بزرگوار حاضر نمی گشته است الا به اندک . از سوئی دیگر در وقایع مشروطیت با حفظ اقتدار خویش گویا از یاری به آزادی خواهان دریغ نمی گشته است .

و با استاد خویش صاحب کفایه در ارتباط بوده چنانکه در اواخر ۱۳۲۷ و اوائل ۱۳۲۸ به هنگام بودن قشون روس در اردبیل و حکومت رشیدالملک

### حاجی میرزا عبدالله آقای مجتهد

(از طرفداران آنان) «میرزا حیدرخان» نام مرد موقر و مورد احترامی رئیس پست اردبیل بود و بدون آنکه تظاهری کند در خفا با مشروطه خواهان ارتباط داشت مرحوم محسنی می نویسد که او روزی محرمانه به آزادی خواهان خیرداد که یک پاکت یا مهر آیت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی از نجف اشرف رسیده و بگیرنده آن آقا میرزا عبدالله مجتهد تحویل داده شده است احساس میشود که حاوی مطلب مهمی باشد . از طرف آزادی خواهان که در آن موقع عنوان دموکرات داشتند و دارای انجمنی به همین نام بودند چند نفر مأمور شدند تا شبانه با آقا میرزا عبدالله ملاقات و از متن نامه اطلاعاتی به دست آوردند .

اینان با مذاکره با او به این نتیجه رسیدند که آقا میرزا عبدالله آن نامه را به انجمن ولایتی ببرد و عین آن را که دستور عالی‌ترین مرجع دینی است قرائت نماید. این بود که مجتهد از انجمن درخواست تشکیل جلسه کرد و با آنکه هواسرد بود همان شب برای تشکیل این مجلس برای بعد از ظهر فردا دعوت گردید. فردا انجمن ولایتی در خانه حاج میرزا ابراهیم مجتهد انواری (۱) که ریاست آن را برعهده داشت تشکیل جلسه داد و علاوه بر اعضاء آقا میرزا عبدالله مجتهد و جمعی از آزادی خواهان نیز برای استحضار از متن نامه و اقدام انجمن در جلسه شرکت نمودند دست خط آخوند خراسانی بدین شرح وسیله مجتهد قرائت گردید: بسم الله الرحمن الرحیم از دیل. عموم آقایان عظام و علمای اعلام و ارکان اسلام آن بلدة شریفه دامت برکاتهم را به سلام وافر مخصوص می‌دارد البته آن ذوات محترمه به وظیفه و تکلیف فعلی که امروزه در حفظ بیضه اسلام و صیانت مذهب در عهده دارند قیام خواهند فرمود و این معنا را پیوسته در نظر خواهند داشت که دول مسیحیه از چند قرن قبل بر این طرف هر یک از هر طرف که به بلاد اسلامی راه داشته به محو استقلال اسلامیان و هدم اساس مسلمانی همت گماشته کاملاً به مقدمات آن مشغول و حالاً به گرفتن نتیجه پرداخته اند مفاسد داخله مرکز و یک کلمه ناخوانا، باطله معاندین اساس دیانت حقه و جدیت لامذهبان داخلی در موجبات نفرت قلوب و تفریق کلمه ملیه هم از فروع این اصل است و منغاً تمام این مفاسد و اساس تمام خرابیها اقامت قشون اجانب است در داخله مملکت ایران که علاوه بر تمام این مفاسد موجوده تدریجاً به فساد اخلاق ملت و ذهاب غیرت ایلات و ضعف عقاید مودی و به وسیله دام هائی که افکنده اند مسلمانان

۱- چنانکه گفته ایم حاجی میر ابراهیم آقا نوه دختری حاج میرزا محسن مجتهد و بدین گونه خواهرزاده حاج میرزا عبد الله مجتهد بود. و حاجی میرزا ابراهیم ارباب نماینده دیگر انجمن داماد حاجی میرزا یوسف آقا مجتهد برادر او.

سست عنصر ضعیف الایمان را آلت اجرای مقاصد خبیثه خود نموده کار به جایی رسیده که بستگی به اجانب و در تحت حمایت آن ها بودن موجب شرف و افتخار شده است یا لاسف که درجه ایمان و جهالت و بی خبری مسلمین از مقتضیات دیانت اسلامی به این مرتبه منتهی شده است .

خوب است که از حال مسلمین سایر ممالک مثل ترکستان و قفقاز و بعضی صفحات هند و غیرهم که به همین ترتیبات ایله فریبانه دشمنان دین شرف و استقلال مملکت خودشان را ازدست داده حالا در ذلت اسارت و رقیت کفره گرفتارند عبرت بگیرند فعلا اهم وظایف عموم علمای اعلام و حصون اسلام این است درسد این ثلمه عظیمه وارده بر اسلام بذل جهد و صرف مهجه فرمایند تمام ارباب منابر و وعاظ را مقرر فرمایند که در مجامع عامه به مفاد اخبار و آیات وارده در منع تواد و سحاب « کذا » و انس با کفره فضلا از کار گذاری برای آن ها ذهن قاطبه مسلمین روشن نموده به همه بفهمانند که به نص کلام اله مجید الهی عزاسمه لا تجدد قوماً یؤمنون بالله والیوم الاخر یوادون من حاد الله و رسوله .

این رفتارها با واقعی بودن ایمان منافی و البته اگر مسلمانان پاک عقیدت باین معانی متذکر و بفهمند که چشم و گوش بسته دروادی محواستقلال اسلام قدم می زنند البته از این سکوت و قفلت متنیه خواهند شد و به عقد اخوت و اتحاد با همدیگر در دفاع از حوزه اسلام موفق و بلکه بهمان فطرت اسلامی بدون حاجت به صدور حکم تحریر « کذا » و لعله تحریر - صدوقی، امنه روسیه از این فضول عیش که موجب زهاب ثروت و بیضه فطرت اسلام و ذلت و اسارت مسلمین است غمض عین خواهند کرد و حتی به قوه دفاعیه که فعلا بر قاطبه مسلمین واجب است و اهمیت آن از تمام احکام مطهره بدیهی است مبادرت و احکام مبین درمابیه را که در این عصر مصداقش مبدل است امثال و بلکه در آن باب بعد از مشورت با آقایان حجج اسلام آنچه به نظر رسیده حوزه علمیه تمام بلاد محروسه با هم متفق و متواعد شوند و در

موعد واحد همه به تعلیم (۱) قوانین حرب شروع کنند که موجب تأسی طبیقات عموم ملت گردد انشاء الله تعالی والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته من - الاحقر الحاج (۱ کذا ولعله الجانی . صدوقی) محمد کاظم خراسانی محل مهر کاظم، (۱) علی ای حال این بزرگوار سرانجام در ۱۳۳۵ در اوان کهولت گویا به دست عیال نخستین خویش که دختر عم او بود مسموم شد و از این عالم در گذشت و از آثارش خبری بهرمانه نماند .

اورا چند پسر بود که یکی از آنان معروف به «آقا نجفی» تا این اواخر زندگی داشت و دیگری به نام آقا میرزا ابراهیم مجتهد زاده سالها به تحصیل روزگار گذاشته است و اینک گویا درزی فقراى نعمت اللهی است . یک دختر او نیز از بطن صبیبه ملامهدی امین العلماء پدر ملا عبدالعظیم امین - العلماء که بعدها منتسب به باییت گردید و گویا به حکم آقا میرزا علی اکبر آقا و برادر شوهر خواهر خود، به قتل رسید و واقعه او را به تفصیل خواهیم آورد در ۱۳۴۰ به عقد ازدواج حاجی باباخان مجاهد اردبیلی درآمد . حاجی باباخان را که از دلاوران نیک نام دوره مشروطیت است و به فاصله شش ماه در هفتم شعبان ۱۳۴۰ مصادف با پانزدهم فروردین ۱۳۰۱ به خدمت قوام الایاله دستگیر شد و شب همان روز به دست امیر فیروز فولاد در قریه (پیره سحران) به قتل رسید (۲)

سرگذشتی است طویل مشحون از لیاقت و افتخار که اگر بخواهیم بیاوریمش بسی به درازا خواهد انجامید از این رو با امید به اینکه بتوانیم آنرا در انجام این مختصر به عنوان تکلمه به دست دهیم پس از یادی از حاجی میرزا یعقوب آقا فرزند دیگر حاجی میرزا محسن آقا مجتهد و برادر آقا میرزا علی اکبر آقا می پردازیم به گزارش احوال او و آقا میرزا علی اکبر ۵- حاجی میرزا یعقوب آقا «مجتهدالتجار» او نیز مانند بسی از اعضای خاندان خود از متصدیان امور بوده است چنانکه وقتی در اوج اختلاف برادرش آقا میرزا علی اکبر آقا با پسر خواهرشان آقا میرسید ابراهیم آقا انجمن ایالتی آذربایجان هیئتی به اردبیل فرستاد و در نتیجه کوشائی های آن ،

۱- باباصفری : اردبیل در گذرگاه تاریخ طهران منطبقه بهمین ۱۳۵۰ ج ۱ ص ۳۰۸-۳۱۰ این بنده به ملاحظه لحن نامه سابق الذکر در صحت انتساب آن به آخوند فعلاً متردد است لعل الله یحدث بعد ذلك امرأ .

۲- ایضاً ص ۴۲۶-۴۳۰

آقا، که غرض از تسوید این اوراق است و تمهید این مقدمات .



### انجمن ولایتی اردبیل ۱۳۲۶ قمری

از چپ به راست : ۱- حاجی محمد حسین جودت ۲- میرزا ابراهیم ارباب  
 ۳- حاجی میرزا یعقوب آقا ۴- میرزا علی تهریزی نماینده انجمن ایالتی  
 آذربایجان ۵- رشیدالملک حاکم اردبیل ۶- شیخ الاسلام

انجمن ولایتی جدید آن شهر به دست رشید الملک به وجود آمد و حاج  
 میرزا یعقوب آقا، که گویا متمایل به استبداد نیز می بوده است یکی از سه تن  
 نمایندگان نعمتی ها شد (۱) در آن وبدها به عهد حکومت امیر معزز گروسی  
 که از بدخواهان مشروطیت بود، دستگیر شد ولی به خاطر رعایت موقعیت  
 برادرش آقا میرزا علی اکبر به مشهد تبعید گردید (۲). نیز در مهمانی  
 معروف قلمه که منجر شد به قتل هفت تن از بزرگان آن روز آن شهر او هم  
 موعود بود ولی مانند حاجی میرزا سید ابراهیم آقا و نایب الصدر و مستوفی  
 وحیة الاسلام و غیرهم بدان نرفت (۳) و از خود حفظ الدم کرد.

یکی از فرزندان او آقا میرزا زین العابدین نجمی مجتهدی بود که به  
 طریقه زهاد و عباد روزگار می گذاشت و حدود ده سال پیش در قم از این  
 عالم در گذشت .